

تکوین مدرنیته سیاسی در ایران (۱۸۹۰-۱۹۰۸ میلادی)

سید سالار اجتهد‌نژاد کاشانی^۱

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۰۱)

چکیده

موضوع این مقاله تکوین مدرنیته سیاسی در ایران است. تحلیل جامعه‌شناختی مدرنیته سیاسی در ایران به دلیل عدم همخوانی دستاوردهای آن با مدرنیته سیاسی در غرب، مسئله‌ای چالش‌برانگیز بوده است. در این مقاله، برای غلبه بر چالش‌های موجود، مدرنیته سیاسی در ایران به مثابه یکی از صورت‌های چندگانه‌ی مدرنیته در جهان و براین اساس همچون یک واقعیت منفرد تاریخی مورد مطالعه قرار گرفته است. مسئله‌ی اصلی این مطالعه پرسش از چگونگی فرایند شکل‌گیری مدرنیته سیاسی در ایران در بازه‌ی زمانی ۱۸۹۰-۱۹۰۸م است. چارچوب نظری این مقاله، با نقد نظریه‌ی مدرنیزاسیون و برپایه مفروضات نظریه‌ی چندگانه‌ی طراحی شده است و سه سطح و پنج لایه‌ی تحلیلی نظام جهانی، مواجهه استعماری، نظام سیاسی اجتماعی، عاملیت جمعی و عاملیت فردی را دربرمی‌گیرد. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش تحلیل تاریخی-روایتی است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که مدرنیته سیاسی ایران در این دوران، برآیندی از عناصر متعدد در پنج سطح تحلیلی بوده است. در سطح نظام جهانی رقابت‌ها و همکاری‌های میان قدرت‌های جهانی، در سطح مواجهه استعماری رویارویی با تهدیدات روسیه و انگلیس، در سطح نظام سیاسی اجتماعی بحران‌های اقتصادی، عدم استقلال و ناکارآمدی دستگاه سیاسی و در دو سطح عاملیت جمعی و فردی چاره‌اندیشی‌های عاملان ایرانی برای غلبه بر مشکلات موجود و پاسخ‌گویی به پرسش از شیوه‌ی مطلوب اداره‌ی زندگی همگانی عناصری هستند که در طول زمان به فرایند مدرنیته سیاسی ایرانی شکل داده‌اند. اثرات متقابل عناصر

salarkashani@gmail.com

۱. دانش‌آموخته جامعه‌شناسی سیاسی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده، با عنوان: تحلیل مدرنیته‌ی سیاسی در ایران: مطالعه‌ی موردی پیدایش دولت پهلوی اول، به راهنمایی دکتر علی ساعی است که در گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس از آن دفاع شد.

فوق برهم در طول دوره تاریخی موردنظر پژوهش به شکل‌گیری اولین پارلمان ایرانی در سال ۱۹۰۶ و تعطیلی موقت آن در سال ۱۹۰۸م انجامیده است.

کلیدواژگان: مدرنیته، مدرنیته سیاسی، مدرنیته‌های چندگانه، دولت قاجار، پارلمان در ایران.

۱- بیان مسئله

هدف این مقاله مطالعه چگونگی تکوین مدرنیته سیاسی در ایران در فاصله میان سال‌های ۱۸۹۰ تا ۱۹۰۸م است. بر این اساس پرسش اصلی مورد توجه این مقاله چنین است: فرایند شکل‌گیری مدرنیته سیاسی در ایران در بازه زمانی یاد شده چگونه بوده است؟ در پاسخ به این پرسش تلاش خواهد شد ویژگی‌های تحولات جهانی، فرایند مواجهه‌های ایرانیان با غرب و ویژگی‌ها و فرایندهای حاکم بر عاملیت جمعی و فردی ایرانیان از حیث اثرگذاری بر فرایند شکل‌گیری مدرنیته سیاسی ایران در دوره یادشده مورد مطالعه قرارگیرد.

مقصود از مدرنیته سیاسی در سطح خرد شکل‌گیری عاملیت خودآیین^۱ (آیزن اشتاد،^۲ ۲۰۰۰) و در سطح کلان بر برآمدن نهادهای مدرنی چون دولت ملت^۳ و جامعه مدنی^۴ (باربیه، ۱۳۸۳) است. دستیابی ایرانیان به مدرنیته سیاسی و میزان تحقق آن در ایران هم در سطح خرد (ر.ک به: وحدت، ۱۳۹۲) و هم در سطح کلان (ر.ک به: جلائی‌پور، ۱۳۸۸) مورد مناقشه بوده است. مدعای این مقاله آن است که فراتر رفتن از این مناقشات مستلزم پذیرش مدرنیته سیاسی به عنوان فرایندی چندگانه است که با توجه به سرگذشت‌های تاریخی و بسترهای فرهنگی در هر جامعه به صورت منحصر به فردی تجلی می‌یابد (آیزن اشتاد، ۲۰۰۰؛ کایا، ۲۰۰۴؛ واگنر، ۲۰۱۰). از این منظر مدرنیته سیاسی در ایران به عنوان یکی از صورت‌های چندگانه‌ی مدرنیته سیاسی در جهان برآیند تجربه منحصر به فرد تاریخی ایرانیان در مواجهه با عوامل متعدد ملی و بین‌المللی است. دستاوردهای این تجربه خا، شکل‌گیری گونه‌ای از مدرنیته سیاسی است که لزوماً با نتایج مدرنیته سیاسی در غرب همسانی ندارد.

۲- ادبیات تجربی و نظری

^۱ Autonomous Agency

^۲ Eisenstadt

^۳ Nation-State

^۴ Civil Society

تکوین مدرنیته سیاسی در ایران... _____ علی ساعی و همکاران

پژوهش‌های جامعه‌شناختی انجام شده در باب مدرنیته و مدرنیته سیاسی در ایران را می‌توان از نقطه نظر پیش‌فرض‌ها و رویکردهای نظری به سه دسته تقسیم کرد. دسته اول از این پژوهش‌ها مدرنیته در ایران را با محوریت مفهوم «جامعه در حال گذار» مورد مطالعه قرار می‌دهند. این پژوهش‌ها ایران را جامعه‌ای می‌دانند که از وضعیت سنتی به سوی وضعیت مدرن در حال حرکت است و در وضعیتی میان سنت و مدرنیته قرار دارد (ن.ک به: نبوی، ۱۳۸۹). از جمله این مطالعات می‌توان به تحقیقات عظیمی (۱۳۸۸)، ربیعی (۱۳۸۶)، محمدی (۱۳۷۹) و علمداری (۱۳۸۹) اشاره کرد. دسته دوم شامل پژوهش‌هایی است که ضمن تطبیق مدرنیته سیاسی در ایران با مدرنیته سیاسی اروپایی به دنبال شناسایی کاستی‌های مدرنیته سیاسی ایرانی در مقایسه با نسخه ایده‌آل آن هستند. نمونه آثاری از این دست را می‌توان در تحقیقات کاتوزیان (۱۳۷۴)، جلایی‌پور (۱۳۸۹)، تطف (۲۰۱۱) و زیباکلام (۱۳۷۷) یافت. دسته سوم مشتمل بر پژوهش‌هایی است که مدرنیته سیاسی در ایران را به عنوان یک واقعیت منفرد تاریخی و براساس ویژگی‌های خاص آن مورد مطالعه قرار می‌دهند. نمونه این رویکرد در پژوهش‌هایی چون توکلی طرقي (۱۳۸۲)، شریفی (۲۰۰۸)، متین (۲۰۱۳)، کمالی (۲۰۰۶) و میرسپاسی (۱۳۸۴) موجود است. دو دسته اول و دوم به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر پیش‌فرض‌های تک‌خطی و اروپامدار از مدرنیته مبتنی هستند. در این رویکرد نقطه نهایی مدرنیته سیاسی ایرانی رسیدن به وضعیتی مشابه با مدرنیته غربی است و علت عدم دستیابی ایرانیان به این تلقی خاص از مدرنیته سیاسی قرارگرفتن ایران در شرایط گذار یا وجود نقصان‌هایی در وجوه فردی یا جمعی جامعه ایران دانسته می‌شود. دسته سوم این مطالعات اگرچه بر پایه رویکردهایی خطی و اروپامدار شکل نگرفته‌اند، اما مطالعه مدرنیته سیاسی ایرانی در آن‌ها بیشتر به شیوه‌ای تک‌بعدی به انجام رسیده است. این پژوهش‌ها به ندرت توانسته‌اند عناصر متعددی را که در سطوح تحلیلی مختلف بر فرایند تکوین مدرنیته سیاسی در ایران اثرگذار بوده‌اند، در یک چارچوب تحلیلی سیستماتیک گرد هم آورند. تلاش محققین در این مقاله بر آن بوده است که چنین تحلیل سیستماتیکی را در دوره تاریخی موردنظر به انجام رسانند.

نسخه‌های مختلف نظریه مدرنیزاسیون از پرنفوذترین چارچوب‌های مرجع نظری در تحلیل مدرنیته در قرن بیستم بوده‌اند. این نظریه‌ها در ادامه رویکردهای تکاملی جامعه‌شناسی

کلاسیک صورت‌بندی شده‌اند (مارتینلی، ۲۰۰۵:۲۳) و نقطه اشتراک آن‌ها در نظر گرفتن خط‌سیری واحد برای ابعاد مختلف مدرنیته در همه جوامع است (بدیع، ۱۳۸۴:۲۱). این نظریه‌پردازان بر عمومیت و جهان‌روایی تجربه مدرنیته غربی تأکید می‌کنند و برآنند که این تجربه در همه جای جهان به شکلی مشابه محقق می‌شود (کمالی، ۲۰۰۶:۹). این نظریه‌ها ویژگی‌هایی ثابت را به دو مفهوم سنت و مدرنیته یا دو نوع جامعه سنتی و مدرن نسبت می‌دهند. در رویکردهای برخی از آنان بر اهمیت عامل یا عواملی خاص در تغییر وضعیت جامعه از مدرن به سنتی تأکید می‌شود؛ از جمله این عوامل می‌توان به استفاده از ماشین‌آلات و منابع انرژی (لوی، ۱۹۶۶)، نهادمند شدن سازمان و رویه‌های سیاسی (هانتینگتون، ۱۹۶۸)، تحرک اجتماعی (داچ، ۱۹۶۱) و سندروم موفقیت (مک‌کللاند، ۱۹۶۲) اشاره کرد. در برخی دیگر از این نظریه‌ها چون کارهای روستو (۱۹۶۲)، لرنر^۱ (۱۹۵۸)، بلک^۲ (۱۹۶۶)، اپتر^۳ (۱۹۶۵) و ارگانسکی^۴ (۱۹۶۵) یک فرایند واحد برای رسیدن از جامعه سنتی به مدرن پیشنهاد شده است.

نظریه‌پردازان مطالعات پسااستعماری به نقد رویکرد اروپامدار حاکم بر برداشت‌های یادشده از مدرنیته پرداخته‌اند. نظریه‌های پسااستعماری برآن است که اغلب گفتمان استعماری خود را از طریق تقابل‌هایی چون بلوغ/ نابالغی، تمدن/ بربریت، توسعه یافته/ در حال توسعه و پیشرو/ بدوی توسعه دهد (گانندی، ۱۳۸۸:۵۳). در این تئوری‌ها که اغلب بر پایه دیدگاه‌های ادوارد سعید درباره شرق‌شناسی توسعه یافته‌اند (ساعی، ۱۹۷۶)، بر ویژگی محلی آنچه در نظریه‌های مدرنیزاسیون جهانی انگاشته می‌شود (چاکرابارتی؛ ۲۰۰۸) و نیز بر تمایز مدرنیته در جوامع مستعمره در قیاس با جوامع استعمارگر (چاترجی؛ ۱۹۹۷) تأکید شده است.

رهیافت مدرنیته‌های چندگانه^۵ دیگر رهیافت جامعه‌شناختی مربوط به تحلیل ابعاد مختلف مدرنیته است. صاحب‌نظران این رهیافت قایل به وجود چندگانگی مدرنیته‌ها در بسترهای

^۱Lerner

^۲Black

^۳Apter

^۴Organski

^۵Chakrabarty

^۶Chatterjee

^۷Multiple Modernities

تکوین مدرنیته سیاسی در ایران... _____ علی ساعی و همکاران

تاریخی و جغرافیایی متفاوت هستند و تحقق مدرنیته‌ای همسان در قالب‌های فرهنگی و نهادی اروپایی را رد می‌کنند (آیزن اشتاد، ۳-۱؛ کمالی، ۲۰۰۶: ۲۶-۶؛ کایا، ۲۰۰۴: ۳۷-۳۸). آنان مدرنیته را راه و روشی از زندگی می‌دانند که بر پایه خودآیینی بنا شده است. در این وضعیت انسان قادر به ساختن خود، جامعه و طبیعت تلقی می‌شود. مفهوم خودآیینی بر فرض عاملیت مستقل انسان در ساختن همه ابعاد حیات فردی و اجتماعی خویش و رها از زنجیرهای اقتدار سیاسی و فرهنگی سنتی مبتنی است (واگنر، ۲۰۰۸: ۸). این خودآیینی شامل بازاندیشی و جستجو، سازندگی فعال، سلطه بر طبیعت و تأکید بر مشارکت خودآیین اعضای جامعه در ساختن نظم سیاسی و اجتماعی و نهادی آن می‌گردد (آیزن اشتاد، ۲۰۰۱: ۳۲۳). پیامد این تأکید بر عاملیت و خودآیینی انسان، دگرگونی ادراک انسان مدرن از مفهوم زمان است. در این مفهوم جدید از زمان، آینده عرصه تقدیری از پیش تعیین شده نیست. آینده چیزی است که در زمان اکنون و به عاملیت انسان ساخته می‌شود (همان، ۲۰۰۰: ۳).

شیوه زندگی مدرن مستلزم پاسخ‌گویی خودآیین به سه پرسش اساسی چگونگی اداره زندگی همگانی، چگونگی ارضای نیازهای انسان و چگونگی برپا ساختن دانش معتبر است. پاسخ مدرن به این پرسش‌ها نمی‌تواند از هیچ منبع اقتدار بیرونی استخراج شود و هیچ پاسخ مدرن یگانه‌ای برای این پرسش‌ها وجود ندارد. واگنر این سه پرسش را در سه پروبلماتیک^۳ اساسی «پرسش درباره قواعد اداره زندگی همگانی پروبلماتیک سیاسی را تشکیل می‌دهد. پرسش مربوط به ارضای نیازها پروبلماتیک اقتصادی و پرسش درباره دانش معتبر پروبلماتیک معرفت‌شناختی را می‌سازد» صورت‌بندی کرده است. تفاوت میان انواع مدرنیته حاصل تفاوت میان پاسخ‌های داده شده به این پرسش‌هاست؛ چنین تفاوتی با پس‌زمینه‌های فرهنگی‌ای مرتبط است که این پاسخ‌های مدرن در زمینه آن‌ها توسعه یافته‌اند (واگنر، ۲۰۰۸: ۴-۷)؛ بنابراین مدرنیته سیاسی عبارت از پاسخ‌های خودآیین عاملان انسانی به پروبلماتیک سیاسی یا پرسش از چگونگی اداره زندگی همگانی است که می‌تواند به ارائه پاسخ‌های چندگانه و در نتیجه

۱Autonomy

۲Wagner

۳Problematique

جامعه‌شناسی تاریخی _____ دوره ۱۰، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

شکل‌گیری صورت‌های سیاسی مدرن چندگانه بیانجامد (واگنر، ۲۰۰۸: ۲۱؛ آیزن‌اشتاد، ۲۰۰۱: ۳۲۶).

در این پژوهش با پذیرش پیش‌فرض‌های نظری نظریه مدرنیته‌های چندگانه، فرایند شکل‌گیری مدرنیته سیاسی در ایران در سه سطح و پنج لایه تحلیلی زیر مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۱. سطح فراجامعه‌ای^۱

نظام جهانی: مدرنیته در کلان‌ترین سطح یک سیستم جهانی واحد است؛ هم از این حیث که از ابتدا در بعد اقتصادی بر پایه یک تقسیم کار نابرابر جهانی بنا شده (والراشتاین^۲؛ ۱۹۷۴: ۳) و هم از این جهت که در بعد فرهنگی و اقتصادی مبتنی بر درکی از تمایز میان شرق و غرب بوده است (ساعی، ۱۹۷۶). مناسبات سیاسی جهانی در سطح نظام جهانی به عنوان یک سیستم یکپارچه مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

مواجهه استعماری: چگونگی مواجهه جوامع غیرغربی با استعمار غرب نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری مدرنیته در این جوامع داشته است (بهنام، ۱۳۶۹: ۳۴۸). مواجهه مستقیم مردم جوامع غیرغربی با استعمارگران که شامل هجوم نظامی و حضور قدرت استعمارگر در مستعمره می‌شود به شکل‌گیری مدرنیته استعماری می‌انجامد. این نوع مدرنیته به وسیله یک نیروی بیرونی تحمیل می‌شود. در مقابل مواجهه غیرمستقیم مردم این جوامع با قدرت‌های استعماری مدرنیته واکنشی را پدید می‌آورد. در این مورد مدرنیته در سایه تهدیدهای استعماری آموخته و به داخل جامعه وارد می‌شود (تربورن^۳، ۲۰۱۰: ۹۰-۸۹). این سطح کیفیت مواجهه ایرانیان با قدرت‌های استعماری مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۲. سطح جامعه‌ای^۴

^۱ Trans-societal level

^۲ Wallerstein

^۳ Therborn

^۴ Societal level

تکوین مدرنیته سیاسی در ایران... _____ علی ساعی و همکاران

نظام سیاسی اجتماعی: نظام اجتماعی در تعریف گیدنز شامل دسته‌ای از نهادهای^۱ بادوام در طول زمان و مکان است که با یک مکان^۲ پیوند دارد برخوردار از عناصری هنجاری^۳ است که ادعای مشروعیت اشغال مکان مبتنی بر آن‌هاست و اعضای آن از نوعی احساس هویت مشترک برخوردارند (گیدنز؛^۴ ۱۹۸۴: ۵-۱۶۴). در این پژوهش با مبنا قرار دادن این نگرش به جامعه شرایط حاکم بر نظام سیاسی و مناسبات اجتماعی جامعه ایران به عنوان یک کل سیستمی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. ویژگی‌های مدرنیته در این سطح حاصل عناصر درونی هر جامعه غیرغربی در محدوده دو سنخ مدرنیته‌های واکنشی و تحمیلی و در زمینه نظام جهانی است.

۳. سطح عاملیتی^۶

۳-۱- عاملیت جمعی

تحقق خودآیینی مستلزم به کار بستن عاملیت انسانی است (باس؛^۷ ۲۰۱۴). ریشه چندگانگی مدرنیته‌های سیاسی را اساساً باید در همین نوآوری‌های خلاقانه عاملان در محدوده‌های جهانی و مواجهه استعماری جست. عاملیت در سطح جمعی شامل فعالیت گروه‌ها، نهادها، احزاب، دسته‌ها و جنبش‌های اجتماعی است که می‌کوشند در غالب اقدامی جمعی پاسخی برای پروبلماتیک سیاسی بیابند و در راه تحقق آن دست به عمل بزنند. عاملیت جمعی در این پژوهش عبارت از گردهم آمدن گروهی از افراد با هدف مشترک اظهار نارضایتی از برخی وجوه زندگی سیاسی و اجتماعی و تلاش برای تغییر عناصر سیاسی و اجتماعی به وجود آورنده نارضایتی و صورت‌بندی چشم‌اندازهای جدید برای آینده است (ایرمن؛^۸ ۱۹۹۲: ۴۳؛ کینگ، ۲۰۰۶: ۸۷۳).

۱ Clustering of Institutions

۲ Locale

۳ Normative Elements

۴ Common Identity

۵ Giddens

۶ Agentive level

۷ Buss

۸ Eyerman

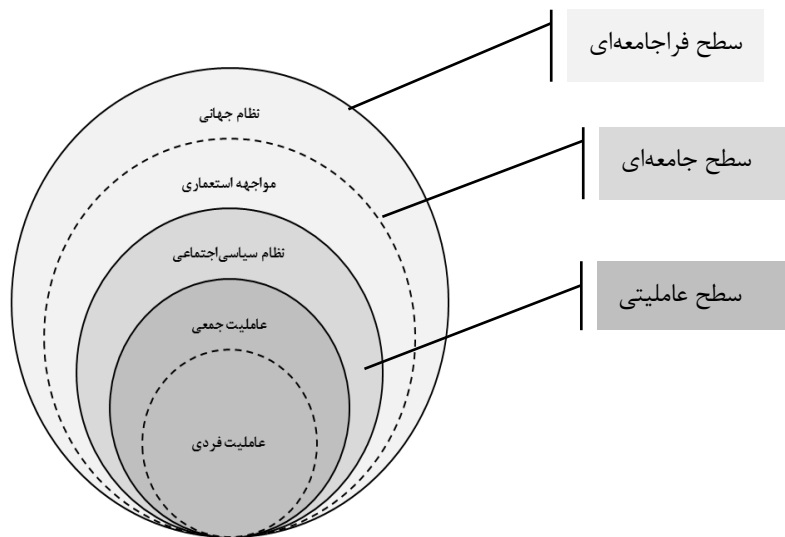
۲-۳- عاملیت فردی

این سطح بر مطالعه کردارهای خلاقانه کنشگران در پاسخ‌گویی به پروبلماتیک سیاسی تمرکز دارد. قرار گرفتن در موقعیت‌های بحرانی تاریخی و نارضایتی از وضع موجود نظام سیاسی اجتماعی عاملان را وامی‌دارد برای تغییر وضع موجود راه‌های چاره‌ای بیاندیشند. آنان این راه‌حل‌ها را در قالب مقالات، رسالات، کتاب‌ها یا سخنرانی‌ها منتشر می‌کنند. عاملیت از دانش کنشگر از طرح‌واره‌های فرهنگی ابرمی‌آید که به معنای توانایی به کار بردن آن‌ها در زمینه‌های^۲ تازه است. عاملان می‌کوشند طرح‌واره‌های فرهنگی آشنا در چارچوب فرهنگی خود را به کار گیرند و با نوآوری در آن‌ها به پروبلماتیک سیاسی جامعه پاسخ گویند (سول، ۲۰۰۵: ۱۵۶). مطالعه در این سطح به کردارهای خلاقانه کنشگران ایرانی برای پاسخ به پروبلماتیک سیاسی و طرح‌واره‌های مورد استفاده آنان اختصاص دارد.

نمایی کلی از چارچوب نظری چندسطحی این پژوهش در مدل شماره یک آمده است. محققین پژوهش حاضر کوشیده‌اند با مطالعه رخدادهای تاریخی هر یک از سطوح بال و روابط متقابل میان سطوح در بستر زمان به شناختی به نسبت جامع و نظام‌مند از فرایند شکل‌گیری مدرنیته سیاسی در ایران دست یابند.

^۱ Cultural Schemas

^۲ Contexts



شکل ۱ سطوح تحلیل مدرنیته سیاسی

۱. روش تحقیق

در این پژوهش از روش تاریخی و تحلیل روایتی^۱ استفاده شده است. تحلیل تاریخی- روایتی بر زمینه‌مندی، زمان‌مندی و فرایندی بودن حوادث تأکید دارد. در این روش توالی تاریخی^۲ حوادث و فرایندها در یک بازه زمانی مورد بررسی قرار می‌گیرند و سلسله حوادثی روایت می‌شوند که در مرحله پایانی منجر به ایجاد برون‌دادی تاریخی شده است (ساعی ۱۳۹۰: ۱۵۴-۱۵۵). واحد مشاهده در این پژوهش رخدادهای تاریخی است و واحدهای تحلیل به ترتیب در لایه اول نظام جهانی، در لایه دوم مناسبات میان ایران و قدرت‌های بزرگ جهانی، در لایه سوم سیستم سیاسی اجتماعی ایران، در لایه چهارم گروه‌های سیاسی (اقتدار، احزاب و انجمن‌های سیاسی) و در لایه پنجم افراد (نخبگان فرهنگی) است.^۳ معیار انتخاب این واحدهای تحلیل

^۱ Narrative Analysis

^۲ Historical sequences

^۳ در سطح عاملیت فردی تنها نمونه‌هایی از عمل عاملانی که رویکردهای آنان به نحوی بر فرایند اصلاحات سیاسی در دوره مورد بررسی اثرگذار بوده است، شناسایی و به اختصار ارائه شده است. هدف از این بخش شرح جزئیات کنش‌های عاملان فردی در این دوران نیست، بلکه کوشیده شده است نمونه‌هایی از اثرگذاری عمل عاملان بر تحولات سیستمی این دوران

اهمیت و اثرگذاری آن‌ها بر فرایند تکوین مدرنیته سیاسی در ایران بوده است. بازه زمانی مورد مطالعه این پژوهش از سال ۱۸۹۰م آغاز می‌شود و در سال ۱۹۰۹ پایان می‌پذیرد. سال ۱۸۹۰م از آن رو به عنوان نقطه آغاز مطالعه انتخاب شده که در این سال نخستین اقدام جمعی ایرانیان در حوزه سیاسی در قالب نهضت تنباکو به وقوع پیوسته است. سال ۱۹۰۸ نقطه پایانی این مطالعه، مقارن با تعطیلی مجلس و پایان مقطعی مهم از تاریخ مدرنیته سیاسی ایران است؛ مقطعی که در آن شاهد ظهور و افول اولین پارلمان ایرانی هستیم.

۲. تحلیل تجربی

در این بخش با بهره‌گیری از مدل نظری یادشده به مطالعه مستقل روندهای تاریخی در سطوح تحلیلی مورد نظر پرداخته می‌شود.

۱-۵- نظام جهانی

نقطه آغازین این مطالعه تاریخی (سال ۱۸۹۰م) با سقوط بیسمارک در آلمان مقارن است. پس از این واقعه سیاست خارجی آلمان به سوی توسعه طلبی خارج از مرزهای اروپا کشیده شد (کندی، ۱۳۷۰: ۱۱۷). گسترش نیروی نظامی آلمان در راستای این هدف باعث نگرانی سایر قدرت‌های بزرگ اروپایی و به ویژه انگلستان شد (نقیب‌زاده، ۱۳۶۸: ۷۷-۸۰). این نگرانی موجبات نزدیکی انگلستان با فرانسه و روسیه، علیه آلمان را فراهم ساخت (کندی، ۱۳۷۰: ۱۸۹). شکست روسیه از ژاپن در سال ۱۹۰۵ ضعف داخلی و بین‌المللی آن را به دنبال داشت (هابسیام، ۱۳۸۰: ۴۱) و همین امر روسیه را نیز به هم‌پیمانی با انگلستان ترغیب می‌کرد. معاهده ۱۹۰۷ میان این دو قدرت نتیجه این فرایند بود که براساس آن رقابت‌های استعماری آن‌ها برای مدتی در آسیا کاهش یافت (مگداف، ۱۳۷۸: ۶۰-۶۱). شکست روسیه از ژاپن در وقوع انقلاب ۱۹۰۵ روسیه نیز مؤثر بود (کولائی، ۱۳۷۶: ۱۰-۱۶). در همین سال‌ها (۱۹۰۸) انقلاب مشروطه دوم عثمانی نیز با تلاش ترکان جوان به پیروزی رسید (حضرتی، ۱۳۸۹: ۱۸۴).

توضیح داده شود؛ بنابراین مراد از بحث عاملیت فردی در این مقاله، تعمیم یافته‌های این بحث به کل تحولات عاملیتی دوره مورد نظر نیست.

۲-۵- مواجهه استعماری

در طول قرن نوزدهم و اوایل بیستم ایران صحنه رقابت دو قدرت جهانی روسیه و انگلیس بود (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۷-۷). در سال ۱۸۹۰ امتیاز توتون و تنباکو منعقد شد (آژند، ۱۳۶۷: ۵۸). این امتیاز مخالفت شدید روسیه را برانگیخت و سرانجام با اعتراض عمومی لغو شد (فوران، ۱۳۸۶: ۲۴۹-۵۰). در همین سال روسیه در رقابت با انگلستان موفق به کسب امتیاز تأسیس بانک استقراضی روسیه در ایران شد (مهدوی، ۱۳۹۳: ۲۹۰). دولت ایران در سال‌های ۱۹۰۰ و ۱۹۰۱ برای رفع مشکلات عدیده خود از روسیه وام گرفت (ذوقی، ۱۳۶۸: ۲۳-۲۲). انگلیس که با وابستگی بیش از پیش دولت ایران به روسیه منافع خود را در خطر می‌دید در سال ۱۹۰۱ موفق به دریافت امتیاز استخراج و بهره‌برداری از نفت برای داری شد (مهدوی، ۱۳۹۳: ۲۹۷-۸). روسیه متقابلاً درصدد دریافت امتیاز لوله‌کشی نفت از دریای خزر تا خلیج فارس برآمد (ذوقی، ۱۳۶۸: ۲۳-۲۵). انگلیس در رقابت با روسیه در مراحل اول انقلاب مشروطه از مشروطه‌خواهان حمایت کرد و در سال ۱۹۰۶ میزبان تحصن آنان در سفارت این کشور در تهران بود. روسیه در این زمان به دلیل مشکلات پس از شکست از ژاپن فاقد توان ایجاد مانع جدی در برابر نهضت مشروطه بود (مهدوی، ۱۳۹۳: ۳۰۴). انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ میان روسیه و انگلستان اندکی از رقابت تنگاتنگ آن‌ها در ایران کاست و به موجب آن ایران به سه منطقه شمالی تحت نفوذ روسیه، جنوبی تحت نفوذ انگلیس و مرکزی بی‌طرف تقسیم شد (غنی، ۱۳۸۰: ۲۵). پس از رهایی روسیه از پیامدهای شکست از ژاپن، این دولت در حمایت از شاه و علیه مشروطه‌خواهان دست به اقدام زد. در سال ۱۹۰۸ لیاخوف به پشتگرمی سفارت و دولت روسیه مجلس شورای اسلامی را به توپ بست و در سال ۱۹۰۹ نیروهای روسی شهر تبریز را تصرف کردند که به مرکزی برای مقاومت در برابر محمدعلی شاه تبدیل شده بود (ذوقی، ۱۳۶۸: ۷۲-۵۷).

۳-۵- نظام سیاسی اجتماعی

مشروعیت قاجار در سده نوزدهم به دلایلی چون شکست ایران از روسیه، شکست سلسله اصلاحات و واگذاری امتیازهای گوناگون زیر پرشش رفته بود. بحران دولت در اوایل قرن بیستم جنبه‌های سیاسی (ضعف در برابر غرب، سرکوب و خودکامگی در داخل)، اقتصادی (وابستگی به وام‌های خارجی، بازرگانی خارجی، نبود کنترل بر گمرک) و ایدئولوژیکی (آگاهی توده‌ها به این‌که دولت از حفظ هویت اسلامی یا منافع ملی عاجز بوده است) داشت (فوران، ۱۳۸۶: ۲۶۹). نظام سیاسی اجتماعی ایران پیش از آغاز قیام مشروطه به سبب ناکارآمدی دولت قاجار در اداره کشور و سلطه خارجی روزگاری سخت و بحرانی را از سر می‌گذراند (آدمیت، ۱۳۸۷: ۴). در این دوران وابستگی شدید دولت ایران به روسیه و انگلیس، نفوذ آنان را در امور داخلی ایران گسترش داده بود (شمیم، ۱۳۸۷: ۴۲۶). اوضاع اقتصادی ایران فاجعه‌بار بود و بخش بزرگی از جمعیت در فقر به سر می‌بردند (کسروی، ۱۳۸۲: ۱۳۹، ۱۴۱). زورگویی کارگزاران دولت و خودکامگی دربار مردم را به ستوه آورده بود (شاکری، ۱۳۸۴: ۷۶-۸۱) و آشوب و بی‌قانونی در کشور فراوان به چشم می‌خورد (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۸۴-۵). بروز شکاف و چند دستگی در میان مشروطه‌خواهان پس از پیروزی اولیه مانع از حل این مشکلات شد و دست آخر به سرکوب مشروطه توسط محمدعلی شاه به حمایت روسیه انجامید (فوران، ۱۳۸۶: ۸-۲۶۲).

۴-۵- عاملیت جمعی

آغاز دوره تاریخ مورد مطالعه این پژوهش مقارن با شکل‌گیری نخستین حرکت توده‌ای تمام عیار در تاریخ اجتماعی ایران» (فوران، ۱۳۸۶: ۲۵۳) و «آغاز بیداری در توده ایران» (کسروی، ۱۳۸۲: ۱۴) در سال ۱۸۹۰ است. در این نهضت روشن‌فکران برانگیزندگان اصلی ایده مقاومت، تاجر عاملیت اصلی محقق ساختن نهضت و روحانیون رهبران آن بودند و همکاری میان این سه قشر برای اولین بار در جریان این قیام صورت گرفت (کشاورزی، ۱۳۷۹: ۳۱۵؛ ترابی‌فارسانی، ۱۳۸۰: ۱۸۷). اهداف اصلی نهضت به طور کلی بر مقاومت در برابر سلطه خارجی و نیز دولت فاسدی استوار بود که راه را برای این سلطه هموار می‌کرد (الگار، ۱۳۶۹: ۳۰۷). نهضت تنباکو مقدمه قیام مشروطه بود. نارضایتی گسترده نیروهای اجتماعی گوناگونی را در جنبش مشروطه در کنار هم قرارداد. این فراگیری موجب شده است که برخی محققین

تکوین مدرنیته سیاسی در ایران... _____ علی ساعی و همکاران

انقلاب مشروطه را مبارزه ملت در برابر دولت بینگارند (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۵۹-۶۵). در صف‌بندی نیروهای اجتماعی یک طرف اتحاد مشروطه‌خواهان (پیشه‌وران، روشن‌فکران، کارگران، بعضی از بازرگانان و روحانیان و طبقه‌های حاشیه شهری) و طرف دیگر سلطنت‌طلبان (دربار قاجار و وابستگان، پاره‌ای روحانیان، قبایل و طبقه‌های حاشیه شهری) قرار می‌گرفتند (فوران، ۱۳۸۶: ۲۷۲). اصلاح حکومت و ایجاد یک دولت مقتدر برای غلبه بر عقب‌ماندگی ایران، حاکمیت قانون و محدود ساختن حکومت (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱۰۱-۱۰۳) و برقراری مساوات و حریت (آدمیت، ۱۳۸۷: ۱۵۶-۱۶۲) از جمله اهداف مهم مشروطه‌خواهان بود که آن‌ها را در قالب تأسیس مجلس شورا و عدالت‌خانه پیگیری می‌کردند. عاملیت جمعی ایرانیان پس از تشکیل مجلس اول شورای ملی در قالب‌های متنوع ادامه یافت. شمار انجمن‌ها در این دوره افزایش پیدا کرد. انجمن اجتماعیون عامیون، انجمن تبریز، انجمن آذربایجان و سایر انجمن‌ها از جمله مهم‌ترین دسته‌های سیاسی در ایران دوران بودند (اتحادیه، ۱۳۶۱). در درون مجلس نیز گروه‌های جمعی فعالیت می‌کردند. رقابت اصلی در مجلس اول میان آزادی‌خواهان و میانه‌روها بود. هدف آزادی‌خواهان به برقراری مجلس و مشروطه ختم نمی‌شد، بلکه خواهان اصلاحات اساسی‌تر اجتماعی بودند، اما میانه‌روها رویکردی محافظه‌کارانه‌تر داشتند (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۱۲۶-۱۳۲).

۵-۵- عاملیت فردی

در پاسخ به اوضاع ناگوار نظام سیاسی اجتماعی ایران در این دوران عاملان فردی بسیاری اقدام به چاره‌اندیشی کردند که آثار آنان بر تحولات این عصر تأثیر نهاد. اندیشمندانی چون میرزافتح‌علی‌آخوندزاده و طالبوف‌تبریزی بر مواردی چون قانون‌گذاری و برقراری حکومت قانون، وجود پارلمان و حکومت مشروطه، یادگیری علم و دانش، نفی استبداد، پروتستان‌تیزم اسلامی و علم‌گرایی تجربی تأکید کردند (کسرای، ۱۳۸۴: ۲۷۵، ۲۹۲). ملک‌خان نیز قانون‌پذیری حکومت و جامعه را راه چاره ایران می‌دانست (آجودانی، ۱۳۸۶: ۵۲-۴). او برای حاکمیت قانون به موضوع تفکیک قوای وضع‌کننده قانون و اجراکننده آن نیز اشاره کرده و حاصل چنین تفکیکی را اجرای صحیح و غیرسلیقه‌ای و بی‌تخلف قانون دانسته است (نظری، ۱۳۹۰: ۱۸۳-۱۸۰). یکی از ویژگی‌های تفکر عاملان این دوران استفاده از طرح‌واره‌های

جامعه‌شناسی تاریخی _____ دوره ۱۰، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

فرهنگی ایرانی اسلامی برای طرح مضامین جدید سیاسی است. برای مثال مستشارالدوله کوشید بسیاری از عناصر موجود در اعلامیه حقوق بشر را با مضامین قرآنی تشریح و توجیه کند (مستشارالدوله، ۱۳۸۸) و محمدحسین نائینی با استفاده از مفاهیم موجود در فقه و اصول شیعی کوشید مفاهیمی چون آزادی و پارلمان را بازتعریف کند (نائینی، ۱۳۸۲).

مهم‌ترین وقایع و روندهای تاریخی رخ داده در سطوح پنج‌گانه تحلیل در بازه زمانی مورد نظر در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. تحلیل چندسطحی مدرنیته سیاسی در ایران (۱۸۹۰-۱۹۰۸م)				
عاملیت جهانی	مواجهه‌ی استعماری	نظام سیاسی اجتماعی	عاملیت جمعی	عاملیت فردی
✓ سقوط بیسمارک ←	✓ تسلط روسیه بر اقتصاد ایران	✓ فقر عمومی ✓ بحران اقتصادی	✓ اعتراض به امتیاز رژی ←	✓ سید جمال‌الدین اسدآبادی
توسعه‌طلبی استعماری	← اعتراض روسیه + اعتراضات مردمی ←	✓ ناکارآمدی نظام اداری	✓ ائتلاف روشنفکران،	✓ آخوندزاده ✓ طالبوف

✓ کرمانی	روحانیان، تجار و	✓ وابستگی	لغو امتیاز رژی ←	آلمان ←
✓ ملکم	پیشه‌وران علیه	مفرط دولت به	تعیین غرامت ←	نگرانی
✓ مستشارالدوله	دولت قاجار با	قدرت‌های	استقراض از بانک	انگلستان،
✓ نایینی	هدف محدود	خارجی	شاهی برای پرداخت	روسیه و
✓ آخوند خراسانی	کردن سلطنت و	✓	غرامت	فرانسه از
✓ نسیم شمال	مبارزه با سلطه‌ی	سرکوب‌گری و	✓ تأسیس بانک	قدرت یافتن
✓ صوراسرافیل	خارجی	خودکامگی	استقراضی روسیه	آلمان ←
✓ ملک‌المتکلمین	✓ شکل‌گیری	دولت	✓ روند بی‌وقفه‌ی	نزدیکی
	انجمن‌های مخفی	✓ بی‌قانونی	اعطای امتیازات	سیاسی این
	برای انقلاب:	✓ مقایسه‌ی	اقتصادی و سیاسی به	سه قدرت
	— اجتماع‌یون‌عامیون	وضع ایران	دولت‌های روسیه و	علیه آلمان
	— انجمن تبریز	کشورهای	انگلستان توسط دولت	✓ بریتانیا
	— انجمن	خارجی در	قاجار	بزرگ‌ترین
	آذربایجان	نتیجه‌ی افزایش	✓ کاهش نسبی نفوذ	قدرت
	— انجمن‌های	روابط ایرانیان با	روسیه در ایران به دلیل	استعماری
	محلی	دیگر کشورها	شکست در جنگ و	جهان و
	رقابت دو جناح	✓ دخالت‌های	پیامدهای داخلی و	روسیه رقیب
	«آزادی خواهان» و	گسترده‌ی	خارجی آن برای دولت	منطقه‌ای آن
	«میان‌روها» در	قدرت‌های	تزاری	در آسیا
	مجلس	خارجی در		

برآیند اهداف و راه حل‌ها:	امور ایران	✓ حمایت ضمنی انگلستان از مشروطه‌خوان و بست نشینی در سفارت این کشور ✓ توافق روسیه و انگلیس درباره‌ی ایران در قرارداد ۱۹۰۷ ← افزایش مجدد قدرت روسیه در ایران ← ایستادگی روسیه در برابر مشروطه‌خواهان ← عدم حمایت انگلیس از مشروطه‌خواهان به عنوان نتیجه‌ی توافقاتش با روسیه ← به توپ بستن مجلس توسط نیروهای روسی ← هجوم نیروهای روسی به مشروطه‌خواهان تبریز	✓ پیمان‌های اتحاد میان انگلیس و فرانسه، و انگلیس و روسیه برای مقابله با گسترش قدرت آلمان و برهم خوردن توازن قوا در نظام بین‌الملل ✓ شکست روسیه از ژاپن در سال ۱۹۰۵ ✓ مشروطه‌ی روسیه ✓ مشروطه‌ی دوم عثمانی
✓حاکمیت قانون			
✓محدود ساختن قدرت شاه			
✓برانداختن استبداد			
✓برانداختن سلطه‌ی قدرت‌های خارجی			
✓برقراری عدالت			
✓پیشرفت و ترقی کشور			
✓آزادی و برابری			
✓تأمین امنیت مالی و جانی در برابر خودکامگی دولت			
✓تأسیس عدالتخانه			
✓تأسیس پارلمان			

آخرین گام در تحلیل در دوره تاریخی مورد نظر در ارتباط قرار دادن یافته‌های مربوط به سطوح مختلف تحلیل و ارائه روایتی چندسطحی از مدرنیته سیاسی در ایران آن روزگار است. به منظور رعایت اختصار علاوه بر شرح کوتاهی که در ادامه ارائه می‌شود، تصویر گویاتر روابط میان این سطوح در مدل ۲ آمده است.

در سال‌های مقارن با آغاز این دوره تاریخی جهان عرصه رقابت‌های شدید استعماری بین قدرت‌های بزرگ بود. بریتانیا همچنان بر بخش‌های بزرگی از جهان سلطه داشت و آلمان پس

تکوین مدرنیته سیاسی در ایران... _____ علی ساعی و همکاران

از شکوفایی صنعتی و اقتصادی به دنبال دستیابی به جایگاه خود در میان قدرت‌های استعماری بود. بازیگران بزرگ رقابت استعماری در ایران این دوران انگلستان و روسیه بودند. تا پیش از آن در صحنه نظام جهانی اگرچه دولت‌های استعمارگر درگیر رقابت با یکدیگر بودند، اما موازنه‌ای نسبی میان قدرت‌ها برقرار بود. ورود آلمان به صحنه رقابت استعماری می‌توانست این موازنه را برهم زند و این عاملی بود که موجب نگرانی قدرت‌های جهانی می‌شد.

هم‌زمان با این تحولات، ایران عصر ناصری درگیر اعطای امتیازات متعدد به روسیه و انگلستان بود. هر امتیازی که به یکی از این دو داده می‌شد به اعتراض قدرت رقیب می‌انجامید و دولت قاجار ناچار بود امتیازی معادل به رقیب نیز اعطا کند. سنگینی آثار این امتیازات بر دوش اقشار مختلف مردم در سال ۱۸۹۰ به شکل‌گیری نخستین جنبش اجتماعی جدید ایرانی در اعتراض به امتیاز رژی انجامید. این جنبش زمینه‌ساز ائتلافی گسترده علیه دولت قاجار میان تجار، روحانیان و روشنگران گردید. وضعیت نابسامان کشور از مدتی پیش ذهن بسیاری از نخبگان ایرانی را درگیر پرابلماتیک سیاسی در ایران کرده بود. عقب‌ماندگی مفرط از غرب و حتی ممالک همسایه ناکارآمدی دستگاه سیاسی و اداری، خودکامگی شاه و وابستگان او، عدم وجود قانون و سلطه قدرت‌های خارجی بر کشور برخی از شاخص‌های نظام سیاسی اجتماعی ایران در این دوران بود. به تنگ آمدن عواملان ایرانی از چنین وضع نابسامانی آنان را واداشت به مسئله دولت و سیاست در ایران ببیند. در این دوران نخبگانی پدیدار شدند که کوشیدند شکل مطلوب اداره امور همگانی و نظم سیاسی را ترسیم کنند و جهت یا هدف حرکت اعتراض‌آمیز ایرانیان را نشان دهند. این دسته از عواملان فردی با وام‌گیری برخی از عناصر و مفاهیم سیاست مدرن تلاش خود را به کار بستند تا این عناصر و مفاهیم را که تا آن زمان سابقه‌ای در فرهنگ ایرانی نداشتند، با استفاده از طرح‌واره‌ها یا عناصر آشنای فرهنگ اسلامی بازتعریف و به این ترتیب فهم‌پذیر و قابل پذیرش سازند. این‌همه زمینه‌های لازم برای جنبش مشروطه را مهیا می‌کرد.

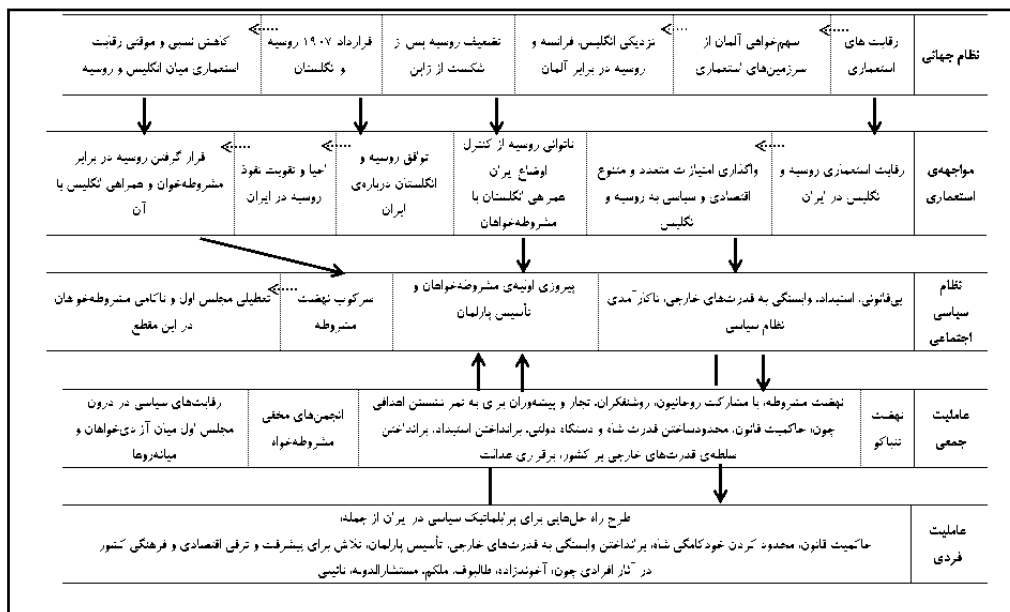
شکست روسیه از ژاپن در سال ۱۹۰۵ از یک‌سو موقعیت روسیه را به عنوان یکی از قدرت‌های بین‌المللی در نظام جهانی تضعیف کرد و از سوی دیگر به اعتراضات داخلی‌ای دامن زد که درنهایت به تحقق مشروطیت روسی یاری رساند. در حالی که روسیه با این جنگ و پیامدهای ناگوارش درگیر بود، مبارزات مشروطه‌خواهان ایرانی نیز شدت گرفت. مبارزاتی

که در سال ۱۹۰۶ به صدور فرمان تشکیل مجلس شورای ملی توسط مظفرالدین شاه انجامید. گرفتاری‌های داخلی و بین‌المللی روسیه در این سال‌ها مانع از آن گردید که نقش بازدارنده اثرگذاری بر روند نهضت مشروطه در این مرحله برجای نهد. در مقابل سفارت انگلستان در این مرحله با مشروطه‌خواهان همراهی نمود و اجازه بست‌نشینی در سفارت این کشور در تهران را به آنان داد. به این ترتیب جنبش مشروطه به نخستین پیروزی خود دست یافت که تشکیل پارلمان بود. مشروطه‌خواهان می‌خواستند حکومتی مبتنی بر قانون در ایران تشکیل دهند تا قدرت خودکامه شاه را محدود کند و سلطه بی‌مهار قدرت‌های خارجی بر کشور را براندازد.

تداوم روند توسعه‌طلبی استعماری آلمان موجبات نزدیکی و تفاهم انگلیس و روسیه را فراهم ساخت. قرارداد ۱۹۰۷ در چنین بستری میان روسیه و انگلیس منعقد شد و یکی از تفاهم‌های مهمی که به موجب این قرارداد میان دو دولت حاصل گردید، تفاهم در مورد ایران بود. با قرارداد ۱۹۰۷ روسیه بار دیگر و این بار با قدرت بیشتر به دخالت در ایران و مقابله با مشروطه پرداخت. روس‌ها در این مقطع با اطمینان از این‌که اقداماتشان به موجب قرارداد با مخالفت انگلیس مواجه نخواهد شد در ائتلاف با محمدعلی شاه به سرکوب مشروطه‌خواهان پرداختند و تا تصرف تبریز و به توپ بستن مجلس شورای ملی پیش رفتند، اما سرانجام در سال ۱۹۰۹ مشروطه‌خواهان تهران را فتح کردند، محمدعلی شاه را از سلطنت برکنار کردند و دوره دوم مجلس شورای ملی را تشکیل دادند.

تکوین مدرنیته سیاسی در ایران... ————— علی ساعی و همکاران

مدل ۱ تکوین مدرنیته سیاسی در ایران (۱۸۹۰-۱۹۰۸)



پارلمان ایرانی در نتیجه تحولات رخ داده در سطوح تحلیلی یادشده و اثرات متقابل آن‌ها برهم در سال ۱۹۰۶ به عنوان یکی از راهکارهای اندیشیده شده برای پروبلمتیک سیاسی ایران تشکیل شد و در سال ۱۹۰۸ بر اثر همین تحولات موقت تعطیل گردید. دستاوردهای این پژوهش که با هدف تحلیل چگونگی تکوین مدرنیته سیاسی ایران از ۱۸۹۰ تا ۱۹۰۸م به انجام رسید در مدل ۲ آمده است. در این مدل وقایع مهم یا شرایط حاکم بر سطوح تحلیل و روابط میان آن‌ها در جریان تحولات مدرنیته سیاسی ایرانی آمده است.

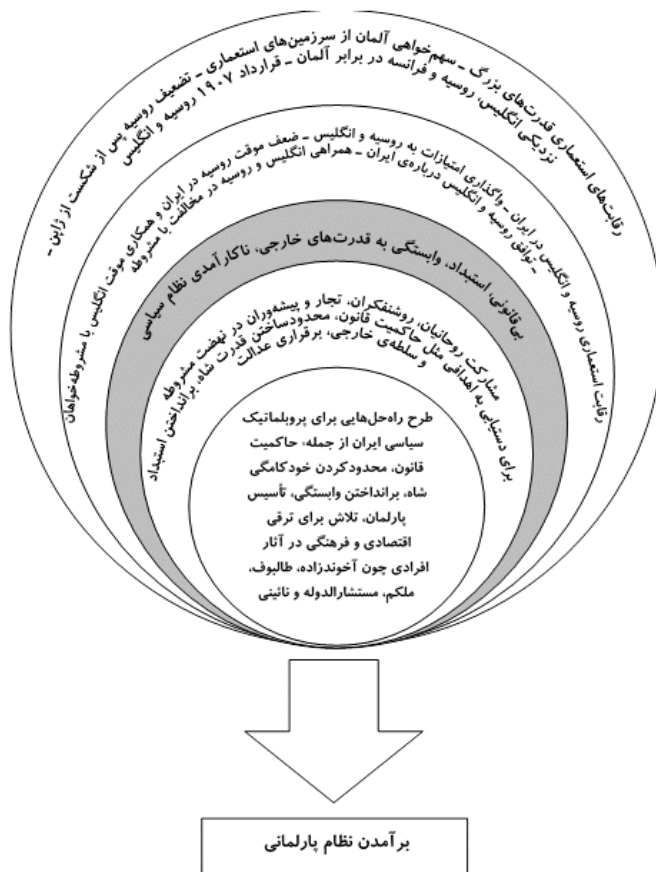
۳. نتیجه گیری

این مطالعه نشان داد مدرنیته سیاسی در ایران طی سال های ۱۸۹۰ تا ۱۹۰۹م به عنوان یکی از اقسام مدرنیته های چندگانه جهانی در بعد سیاسی تحت شرایط تاریخی فراجمعه ای، جامعه ای و عاملیتی خاص خود تکوین یافته است و از این رو از ویژگی های خاص خود نیز برخوردار است. به عبارت دیگر مدرنیته سیاسی ایران در دوره تاریخی مورد نظر حاصل عاملیت عاملان

فردی و جمعی ایرانی در محدوده الزامات ناشی از سطوح جامعه‌ای و فراجامعه‌ای بوده است. این عاملیت دربرگیرنده پاسخ‌های خودآیین عاملان به پروبلماتیک سیاسی ایران است، پاسخ‌هایی که سرانجام در وجه نهادی به شکل‌گیری نخستین پارلمان ایرانی می‌انجامد. از سوی دیگر یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد مدرنیته سیاسی در ایران در مقطع تاریخی مورد نظر مدرنیته‌ای واکنشی است. یکی از مهم‌ترین مسائلی که در این مقطع وضعیت ایران را در ذهن عاملان فردی و جمعی پروبلماتیک می‌سازد، مسئله دخالت قدرت‌های خارجی و نقض استقلال ایران از یک سو، و شکل‌گیری درکی از عقب‌ماندگی ایران در قیاس با جوامع اروپایی از سوی دیگر است. بخشی از اهداف عاملان فردی و جمعی در این دو دوره پر کردن فاصله میان ایران و قدرت‌های اروپایی و قطع دخالت‌های استعماری آن‌ها در ایران است.

برآیند تحولاتی چون رقابت استعماری قدرت‌های بزرگ و ورود آلمان به این رقابت نزدیکی انگلیس روسیه و فرانسه در برابر آلمان و قرارداد ۱۹۰۷ روسیه و انگلیس در سطح نظام جهانی، رقابت استعماری روسیه و انگلیس در ایران، واگذاری امتیازات گوناگون به این دو، ضعف موقت روسیه در ایران و همکاری موقت انگلیس با مشروطه‌خواهان در میدان مواجهه استعماری و وجود وضعیت پروبلماتیک در سطح نظام سیاسی اجتماعی ایران به دلیل فراگیری مسائلی چون بی‌قانونی، استبداد، وابستگی به قدرت‌های خارجی و ناکارآمدی نظام سیاسی موجب برانگیختن واکنش‌هایی در میان برخی از نخبگان ایرانی جهت یافتن راه‌حلی برای مسائل سیاسی موجود گردید. در سطح عاملیت جمعی مشارکت روحانیان، روشن‌فکران، تجار و پیشه‌وران در نهضت مشروطه برای دستیابی به اهدافی مثل حاکمیت قانون، محدود ساختن قدرت شاه، برانداختن استبداد و سلطه خارجی و برقراری عدالت و در سطح عاملیت فردی طرح راه‌حلی برای پروبلماتیک سیاسی ایران از جمله حاکمیت قانون، محدود کردن خودکامگی شاه، برانداختن وابستگی، تأسیس پارلمان و تلاش برای ترقی اقتصادی و فرهنگی در آثار افرادی چون آخوندزاده، طالبوف، ملکم، مستشارالدوله و نائینی از جمله این واکنش‌ها بود که به شکل‌گیری نظام سیاسی پارلمانی در ایران به عنوان یکی از پیامدهای نهادی این فرایند انجامید. عناصر اثرگذار بر تکوین مدرنیته سیاسی ایران در این مقطع تاریخی در شکل ۳ به تصویر کشیده شده است.

شکل ۳. سطوح تحلیل مدرنیته‌ی سیاسی در ایران (۱۸۹۰-۱۹۰۸)



۴. منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹). *تاریخ ایران مدرن*، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران: نی.
- آجودانی، ماشاءالله (۱۳۸۶). *مشروطه ایرانی*، تهران: اختران.
- آدمیت، فریدون (۱۳۸۷). *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*، تهران: گستره.
- آژند، یعقوب (۱۳۶۷). *قیام تنباکو*، تهران: امیرکبیر.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۶۱). *پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت*، تهران: گستره.
- باربیه، موریس (۱۳۸۳). *مدرنیته سیاسی*، ترجمه عبدالوهاب احمدی، تهران: آگه.
- بدیع، برتران (۱۳۸۴). *توسعه سیاسی*، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران: قومس.
- بهنام، جمشید (۱۳۶۹). *درباره تجدد ایران، ایران‌نامه*، ش ۳۱، صص ۳۴۷ - ۳۷۴.
- ترابی‌فارسانی، سهیلا (۱۳۸۰). *تجار و جنبش تنباکو*، گفتگو، ش ۳۲.
- جلالی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۸). *جامعه و دولت معاصر در ایران*، تمهیدی نظری برای ارزیابی تکوین ملت-دولت، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره دهم، ش ۲.
- جلالی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۹). *ایران جامعه کژمدرن*، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره یازدهم، ش ۱.
- حضرتی، حسن (۱۳۸۹). *مشروطه عثمانی*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- دیگر، ژان پیر و همکاران (۱۳۸۷). *ایران در قرن بیستم*، ترجمه عبدالرضا مهدوی، تهران: البرز.
- ذوقی، ایرج (۱۳۶۸). *تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرت‌های بزرگ*، تهران: پاژنگ.
- ربیعی، علی (۱۳۸۶). *بحران‌های اجتماعی ایران امروز*، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ش ۳.
- زیباکلام، صادق (۱۳۸۸). *ما چگونه ما شدیم؟*، تهران: روزنه.
- ساعی، علی (۱۳۹۰). *منطق تحلیل تطبیقی تاریخی با رویکرد تحلیل‌بولی*، *مجله علوم اجتماعی*، ش ۵۴، صص ۱۲۷-۱۶۴.
- شاکری، خسرو (۱۳۸۴). *پیشینه‌های اقتصادی اجتماعی جنبش مشروطیت*، تهران: اختران.

تکوین مدرنیته سیاسی در ایران... _____ علی ساعی و همکاران

- شمیم، علی‌اصغر (۱۳۸۷). *ایران در دوره سلطنت قاجار: قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهارم، تهران: بهزاد.*
- عظیمی، حسین (۱۳۸۸). *مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران، چاپ پنجم، تهران: نی.*
- علمداری، کاظم (۱۳۸۹). *چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت، تهران: توسعه.*
- غنی، سیروس (۱۳۸۰). *ایران و ظهور رضاخان، از بر افتادن قاجار تا بر آمدن پهلوی، ترجمه حسن کامشاد، تهران: نیلوفر.*
- فوران، جان (۱۳۸۶). *مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.*
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۴). *اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: مرکز.*
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۹۱). *ایران، جامعه کوتاه‌مدت، ترجمه عبدالله کوثری، تهران: نشر نی.*
- کسرائی، محمدسالار (۱۳۸۴). *چالش سنت و مدرنیته در ایران، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.*
- کسروی، احمد (۱۳۸۲). *تاریخ مشروطه ایران، تهران: نگاه.*
- کشاورزی، بهزاد (۱۳۷۹). *تشیع و قدرت در ایران، پاریس: انتشارات خاوران.*
- کندی، پال (۱۳۷۰). *ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ، ترجمه ناصر موفقیان، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.*
- کولائی، الهه (۱۳۷۶). *اتحاد شوروی از تکوین تا فروپاشی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.*
- الگار، حامد (۱۳۶۹). *دین و دولت در ایران: نقش عالمان در دوره قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات توس.*
- گاندی، لیلا (۱۳۸۸). *پسااستعمارگرایی، ترجمه مریم عالمزاده و همایون کاکاسلطانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.*
- محمدی، مجید (۱۳۷۹). *راه دشوار اصلاحات: مؤلفه‌های و موانع توسعه سیاسی، تهران: انتشارات جامعه ایران.*

جامعه‌شناسی تاریخی _____ دوره ۱۰، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

- مستشارالدوله، یوسف (۱۳۸۸). یک کلمه، به کوشش باقر مؤمنی، تهران: شادگان.
- مگداف، هاری (۱۳۷۸). امپریالیسم: تاریخ، تئوری، جهان سوم، ترجمه هوشنگ مقتدر، تهران: کویر.
- مهدوی، عبدالرضا هوشنگ (۱۳۹۳). تاریخ روابط خارجی ایران، چاپ بیستم، تهران: امیرکبیر.
- میرسپاسی، علی (۱۳۸۴). تأملی در مدرنیته ایرانی، ترجمه جلال توکلیمان، تهران، انتشارات طرح نو.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۸۲). تنبیه الامه و تنزیه المله، به تصحیح سید جواد ورعی، چاپ اول، قم: بوستان کتاب.
- نبوی، عبدالامیر (۱۳۸۹)، جامعه در حال گذار؛ بازبینی یک مفهوم، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای علوم انسانی، دوره سوم، ش ۱، زمستان ۱۳۸۹.
- نظری، علی‌اشرف (۱۳۹۰). مدرنیته و هویت سیاسی ایران، تهران: میزان.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۶۸). نگاهی به تاریخ روابط بین‌الملل (۱۸۷۰ تا ۱۹۴۵)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- وحدت، فرزین (۱۳۹۲). رویارویی فکری ایران با مدرنیته، تهران: ققنوس.
- هابسبام، اریک (۱۳۸۰). عصر نهایت‌ها: تاریخ جهان از ۱۹۱۴ تا ۱۹۹۱، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: آگه.

- Apter, D.(1965) The Politics of Modernization, Chicago: University of Chicago Press.
- Black, C.E.(1966) The Dynamics of Modernization, New York: Harper.
- Buss, Sarah(2014), Personal Autonomy, The Stanford Encyclopedia of Philosophy(Winter 2014 Edition), Edward N. Zalta(ed.), URL = <<http://plato.stanford.edu/archives/win2014/entries/personal-autonomy/>>.

- Chakrabarty, Dipesh.(2008). *Provincializing Europe: postcolonial thought and historical difference*. Princeton: Princeton University Press.
- Chatterjee, Partha 1997. *Our modernity*. Rotterdam/Dakar: SEPHIS and CODESRIA: 1–20.
- Deutsch K(1961) Social mobilization and political development, *American Political Science Review*(3): 493–514.
- Eisenstadt S. N.(2001). The civilizational dimension of modernity, *International sociology*, vol 16(3): 320-340
- Eisenstadt, S. N.(2000), *Multiple Modernities*, *Daedalus*, Vol 120, No. 1(Winter 2000)
- Eyerman R.(1994), “Modernity and Social Movements”, in: Haferkamp, Hans; Smelser, Neil J.(1992): *Social change and modernity*. Oxford: University of California Press.
- Giddens, Antony.(1984). “The constitution of society”, London: Polity.
- Huntington, S.(1968) *Political Order in Changing Societies*, New Haven, CT: Yale University Press.
- Kamali, Masoud(2006), *Multiple Modernities, Civil Society and Islam; The Case Study of Iran and Turkey*, Liverpool: Liverpool University Press
- Kaya, Ibrahim.(2004). “Modernity, Openness, Interpretation: A Perspective on Multiple Modernities”. *Social Science Information*, 43(1), 35–57.
- King, Debra S.(2006): “Activists and Emotional Reflexivity: Toward Touraine’s Subject as Social Movement”. *Sociology* 40(5).
- Lerner, D.(1958) *The Passing of Traditional Society: Modernizing the Middle East*, Glencoe, IL: Free Press
- Martinelli, A.(2005). *Global modernization: Rethinking the project of modernity*. London: SAGE Publications
- Matin, Kamran(2013): *Recasting Iranian modernity. International relations and social change*. London, New York: Routledge/Taylor & Francis Group(Iranian studies).
- McClelland, D.(1961) *The Achieving Society*, Princeton, NJ: Van Nostrand.

- Organski, A.F.K.(1965) *The Stages of Political Development*, New York: Knopf.
- Rostow, W. W.(1962). *The Stages of Economic Growth*. London: Cambridge University Press
- Said, Edward(1976), "Arabs, Islam and the Dogmas of the West". *The New York Times Book Review*, 31 October 1976
- Sewell, W. H(2005) "A theory of structure: duality, agency and transformation" in: Spiegel, G. M.(2005). *Practicing history: new directions in historical writing after the linguistic turn*. New York, London: Routledge
- Sharifi, Majid(2008), *Imagining Iran: Contesting Political Discourses in Modern Iran*(Doctoral dissertation), University of Florida
- Talattof, Kamran(2011), *Modernity, sexuality, and ideology in Iran*, Syracuse: Syracuse University Press
- Therborn, Göran(2003), "Entangled Modernities", *European Journal of Social Theory*, volume 6, issue 3, pp 293-305
- Therborn, Göran(2010), "Different Roads to Modernity and Their Consequences: A Sketch", in: M. Boatca et(eds.), *Decolonizing European Sociology*, Farnham: Ashgate
- Wagner, Peter(2008), *Modernity as experience and interpretation: A new sociology of modernity*. London: Polity
- Wagner, Peter.(2010), "Multiple Trajectories of Modernity: Why Social Theory Needs Historical Sociology". *Thesis Eleven*, 100(1), 53-60.
- Wallerstein, Immanuel(1974) "The modern World System I: Capitalist Agriculture and the Origins of the European World-Economy in the Sixteenth Century". New York: Academic Press.

The formation of political modernity in Iran (1890-1908)

Salar A. N. Kashani¹

Abstract

The subject of this article is the generation of political modernity in Iran. The sociological analysis of political modernity in Iran, due to lack of consistency between its consequences and Western political modernity. Has been a challenging issue. In order to overcome these challenges, political modernity in Iran is studied as one of multiple forms of modernity in the world, and therefore as a unique historical fact. The main problem of this study is the question of how the generation of political modernity in Iran occurred during the period of 1889-1909. The theoretical framework of the paper has formulated based on the theory of multiple modernities. The framework contains five analytical levels: world system, colonial confrontation, sociopolitical system, collective agency and individual agency. The research method used in this research was historical-narrative analysis. The results of the research indicate that the political modernity of Iran in this period of time has been the result of several elements at five levels of analysis: Competition and cooperation among the world powers at the level of world system, Confronting Russian and British threats at the level of colonial confrontation, Economic crises, lack of independence and inefficiency of the political system at the level of sociopolitical system, and the Iranian agents' solutions for existing problems and answering the question of the ideal way of ruling the public life at the levels of individual and collective agency. The interplays of the above elements during 1890 to 1909 has led to the formation of the first Iranian parliament in 1906 and its temporary closure in 1908.

Keywords: Modernity, Political Modernity, Multiple Modernities, Qajar state, Parliament in Iran.

¹. salarkashani@gmail.com